

# نقش متغیرهای آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

نورعلی فرخی \*

## چکیده

پژوهش حاضر باهدف نقش متغیرهای آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی انجام شده است. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع علی - مقایسه‌ای و به لحاظ رویکرد از نوع کلی است. بر اساس متغیرهای شیوه‌ی گزینش (آموزش و پژوهش محور) و کارشناسی مورد پژوهش (مرتبط و غیر مرتبط) دو گروهی و براساس دوره‌های تحصیلی (روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری) و ترم تحصیلی (اول، دوم و سوم) سه گروهی است. جمعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دوره‌های روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی بودند که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تحصیل اشتغال داشتند. برای توصیف از شاخص‌های توصیفی، میانگین، انحراف معیار و خط استاندارد برآورد مستقل و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. میانگین و برای استنباط آماری با توجه به فرضیه‌های تحقیق از آزمون نقش متغیرهای آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی استفاده شد. نتایج نشان داد اگر چه بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دوره روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری تفاوت معنی‌دار به دست نیامده است، اما میانگین عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد روزانه در مقایسه با دانشجویان شبانه و نیمه‌حضوری بالاتر و عملکرد تحصیلی نیمه‌حضوری بالاتر از شبانه بود.

واژگان کلیدی: متغیرهای آموزشی، پیشرفت تحصیلی، آموزش عالی.

## مقدمه

یکی از سیاست‌های اصلی کشورهای توسعه‌یافته افزایش دسترسی به آموزش عالی و همگانی کردن آن است. آموزش عالی مسیری برای توانمندسازی افراد و توسعه کشورها است (آلتاچ و سرالمی، ۲۰۱۱). لذا یکی از شاخص‌های توسعه انسانی، دسترسی مردم به آموزش، اعم از آموزش عمومی و آموزش عالی است.

یکی از موضوعات محوری و اهداف آموزش عالی، رشد دانشجویان به عنوان اشخاصی کارآمد است. دانشجویان هر کشوری از سرمایه‌های فکری و معنوی آن کشور به شمار می‌روند و بررسی مسائل خاص دانشجویان، از مهمترین اهداف برنامه‌ریزان آموزشی دولت‌هاست (اخوان تفتی و ولی زاده، ۱۳۸۵). در این راستا، یکی از اهداف دانشگاه‌ها، ارتقای کیفیت آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان است. چرا که عملکرد نامطلوب دانشجویان هزینه‌های مالی و معنوی زیادی را به دانشگاه‌ها و خود آنان تحمیل می‌کند. عملکرد تحصیلی دانشجویان نه تنها برای والدین و مسئولان آموزش عالی کشور، بلکه برای تمام افرادی که به پیشرفت جامعه علاقه‌مند هستند، حائز اهمیت است.

عوامل متعددی از قبیل فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و آموزشی در عملکرد تحصیلی یادگیرندگان نقش دارد. بنابراین، تبیین عوامل مرتبط با موفقیت تحصیلی دانشجویان، مسئله پژوهشی قابل توجهی در عرصه پژوهش‌های مرتبط با آموزش عالی است (حائری زاده، اصغرپورماسوله، نوغانی و میرانوری، ۱۳۸۸). از سوی دیگر بررسی موفقیت تحصیلی دانشجویان، یکی از راه‌های دستیابی به توسعه دانشگاهی و به عبارت دیگر بهبود مستمر کیفیت آموزشی است که در شناسایی برخی از تنگناها و نارسایی‌های نظام آموزشی و ارائه راه حل‌های علمی و صحیح به منظور برطرف ساختن آنها مؤثر است و می‌توان نتیجه گرفت که بررسی موفقیت تحصیلی در ارتقای کیفیت فعالیت‌های دانشگاهی نیز تأثیر دارد (اخوان تفتی و ولی زاده، ۱۳۸۵).

باملاحظه نقش آموزش عالی در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بررسی عملکرد تحصیلی در دانشگاه‌ها از جمله مواردی است که مورد تأکید برنامه‌ریزان آموزشی واقع شده است؛ تا به مدد بررسی عملکرد تحصیلی، مراکز آموزش عالی فعالیت‌های آموزشی خود را هرچه کارآمدتر و اثربخش‌تر سازند و مطابق استانداردها و شاخص‌های کیفیت در آموزش عالی نمایان سازند (مسعودی و محمدی، ۱۳۸۵).

در این میان، توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی به عنوان یکی از این سیاست‌ها، علاوه بر تأمین منابع انسانی مورد نیاز، چرخ‌های پژوهشی یک کشور را نیز به حرکت در خواهد آورد (توفیقی، ۱۳۸۸). اهمیت تحصیلات تکمیلی در شکل دادن به سرنوشت علمی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورها بر کسی پوشیده نیست و وضعیت کمی و کیفی تحصیلات تکمیلی از مهمترین شاخص‌های توسعه علمی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در هر کشور است (ملک، ۱۳۸۱).

"آموزش عالی برای همه" به یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های آموزشی بسیاری از کشورهای ایران تبدیل شده است که هدف آن ایجاد حق برای مردمی است که دارای تمایل و استعداد برای تحصیل در مقاطع عالی آموزشی هستند، از طرفی دسترسی به آموزش عالی یکی از مهم‌ترین عوامل در بهبود وضعیت عدالت در جامعه محسوب می‌شود (گزارش ملی آموزش عالی، ۱۳۸۳).

آموزش عالی، همواره با مشکلاتی در زمینه محدودیت های آموزش و پژوهش روبه رو بوده است و تحقق اهداف از پیش تعیین شده تا حد زیادی بستگی مستقیم به میزان موفقیت دانشجویان، بالأخص دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارد (شریفیان، ۱۳۸۱) لذا پذیرش و آموزش دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی از طریق مراکز آموزش عالی مستلزم وجود معیارها و قوانین و ضوابطی جهت گزینش دانشجویان مستعد برای ورود به این مقاطع است.

با توجه به محدودیت تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی در کشور، گزینش دانشجو برای ورود به دانشگاه همواره یکی از چالش‌های پیش روی مسئولان حوزه آموزش عالی بوده است. لذا متولیان و برنامه‌ریزان حوزه آموزش عالی کشور نیز همسو و هماهنگ با نهضت تحول خواهی کشور و بهره‌مندی از فرصت های پیش آمده، در راستای ارتقای کیفیت، لزوم بازنگری آئین نامه‌ها، ضوابط و مقررات آموزشی را جهت پذیرش و آموزش دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی در صدر اولویت های کاری خود قرار دادند. یکی از این بازنگری های انجام شده در شیوه پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد بوده است. پاسخگویی مناسب به افزایش تقاضا برای ورود به دوره های کارشناسی ارشد، تقویت و ارتقای سطح کیفی و کمی این دوره‌ها و همسان سازی آن با برنامه‌های توسعه و دیگر اسناد راهبردی کشور است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸).

بررسی های صورت گرفته بر روی نحوه گزینش دانشجویان در نظام های آموزش عالی کشورهای مختلف، مؤید آن است که آن‌ها از شیوه‌های مختلفی برای پذیرش دانشجو استفاده می‌کنند. در نظام آموزش عالی ایران دانشجویان در موقعیت‌های متفاوتی تحصیل می‌کنند. دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری از جمله آنهاست. ایجاد دوره‌های شبانه، فراگیر (نیمه‌حضوری) در کنار دوره روزانه، در دانشگاه‌های دولتی، جهت تحقق اهداف نظام آموزشی عالی در ایران بوده است. در ضرورت ایجاد دوره‌های نیمه‌حضوری (آموزش از راه دور) بیان شده است که اکثر کشورهای جهان از نظر کادر آموزشی در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی، در مضیقه‌اند و هنوز فرصت تحصیل یکسان برای همگان ایجاد نشده است، از طرفی تعداد کثیری از مؤسسات آموزشی از نظر مالی تحت فشارند و نیاز به آموزش بزرگسالان بیش از پیش محسوس است. برای فائق آمدن بر این مشکلات، راه‌حل‌های گوناگونی مطرح شد که از میان آنها کاربرد نظام آموزش از راه دور بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است (یونسکو، به نقل از ضرغام، ۱۳۷۱).

گسترش دوره‌های شبانه و نیمه‌حضوری سبب شده است تا دانشجویان با توانمندی‌های متفاوت وارد دانشگاه‌ها شوند. دانشگاه علامه طباطبایی نیز مجوز برگزاری این دوره‌ها را اخذ نموده است. برای دوره شبانه در اکثریت رشته‌ها و برای دوره نیمه‌حضوری در دو رشته روانشناسی عمومی و مشاوره در مقطع کارشناسی ارشد فعالیت خود را در سال ۱۳۸۵ شروع کرده است (گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۸۵).

حضور دانشجویان به دوره‌های سه گانه کارشناسی ارشد با توانمندی های متفاوت و ویژگی های شخصیتی امکان پذیر شد. تحقیقاتی متغیرهایی همچون عملکرد تحصیلی (در تاج، ۱۳۸۳؛ زارع شاه‌آبادی؛ ۱۳۸۷) در بین دانشجویان با سهمیه‌های متفاوت، انگیزش پیشرفت بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی (طاهری و مقامی، ۱۳۸۴)، عملکرد تحصیلی بین دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی (کهرازایی و همکاران، ۱۳۸۳)، انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان روزانه و شبانه (حسن نتاج، ۱۳۸۷) و سلامت روان بین دانشجویان دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام نور، جامع کاربردی و دانشگاه خلیج فارس (پاکیزه، ۱۳۸۷) انجام گرفته است؛

اما در مورد مقایسه متغیرهای تحصیلی بین دانشجویان کارشناسی ارشد دوره‌های روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری پژوهشی گزارش نشده است. در دانشگاه علامه طباطبایی که تحصیلات تکمیلی چند سال است این دوره‌ها را برگزار می‌کند چنین تحقیقی صورت نگرفته است. این پژوهش اولین مورد آن است که برای مقایسه عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی دوره‌های روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری صورت می‌گیرد.

طرح گسترش دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها اگرچه برای دستیابی به شاخص‌های کمی آموزش عالی و همچنین فراهم آوردن شرایط و فرصت‌های یکسان برای تحصیلات عالی در بین همه اقشار و در نتیجه توزیع فرصت‌ها بر اساس اصل آموزش عالی برای همه اهمیت دارد، اما همواره نیازمند ارزیابی و بازنگری است. این ارزیابی با انجام پژوهش‌هایی امکان‌پذیر است که بتواند دانشجویان شاغل به تحصیل در این دوره‌ها را از نظر متغیرهای تحصیلی مورد مقایسه قرار دهد. این پژوهش برای همین منظور طراحی و انجام می‌شود تا اطلاعاتی در خصوص وضعیت متغیرهای تحصیلی در دانشجویان کارشناسی ارشد دوره‌های روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری دانشگاه علامه طباطبایی در اختیار مسئولان آموزشی دانشگاه و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار دهد. چنانچه از نظر وضعیت متغیرهای مورد بررسی در دانشجویان کارشناسی ارشد دوره‌های سه‌گانه دانشگاه علامه طباطبایی تفاوت معنی‌دار وجود داشته باشد، می‌توان راهکارهایی را برای بهبود وضعیت آموزشی ارائه نمود.

## روش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع علی - مقایسه‌ای و به لحاظ رویکرد از نوع کلی است. پژوهش حاضر بر اساس متغیرهای شیوه‌ی‌گزینش (آموزش و پژوهش محور) و کارشناسی مورد پژوهش (مرتبط و غیر مرتبط) دو گروهی و براساس دوره‌های تحصیلی (روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری) و ترم تحصیلی (اول، دوم و سوم) سه گروهی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دوره‌های روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی بودند که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تحصیل اشتغال داشتند. به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۱۱ نفر از دانشجویان نیمه‌حضوری، ۸۵ نفر از دانشجویان روزانه و ۸۴ نفر از دانشجویان شبانه به عنوان اعضای نمونه در این پژوهش مشارکت داشتند. معدل ترم اول‌های تحصیلی ۹۰-۸۹ دانشجویان به عنوان عملکرد تحصیلی مورد استفاده قرار گرفته است. متغیرهای دیگر تحقیق از پرونده تحصیلی آنها استخراج شده است. برای توصیف از شاخص‌های توصیفی، میانگین، انحراف معیار و خط استاندارد برآورد مستقل و تحلیل واریانس یک راه استفاده شد  $t$  میانگین و برای استنباط آماری با توجه به فرضیه‌های تحقیق از آزمون نقش متغیرهای آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

## یافته‌ها

الف. توصیفی

جدول ۱. توصیف پیشرفت تحصیلی برای متغیرهای آموزشی

فرضیه‌ها	ردیف	شاخص‌ها گروه‌ها	N	X	S	S <sub>x</sub>
توزیع طبیعی	۱	کارشناسی مرتبط	۲۲۸	۱۶.۶۹	۱.۲۸	۰.۰۸
کولموگروف		کارشناسی غیر مرتبط	۵۲	۱۷.۱۳	۱.۵۰	۰.۲۳
یکسانی	۲	گزینش آموزش محور	۶۸	۱۶.۷۵	۱.۳۹	۰.۱۶۹
آزمون‌های		پژوهش محور	۲۱۲	۱۶.۷۸	۱.۳۱	۰.۰۹
قرار گرفت و	۳	دوره تحصیلی: روزانه شبانه نیمه‌حضوری	۸۵	۱۶.۹۲	۱.۲۴	۰.۱۳
همه گروه‌های			۸۴	۱۶.۵۲	۱.۲۸	۰.۱۳
این مفروضه‌ها			۱۱۱	۱۶.۸۲	۱.۴۰	۰.۱۴
با توجه به	۴	ترم تحصیلی: اول دوم سوم	۸۷	۱۶.۹۸	۱.۳۶	۰.۱۴۵
مستقل کدام			۹۰	۱۷.۰۲	۱.۲۱	۰.۱۲۷
روش آماری			۱۰۳	۱۶.۳۹	۱.۳۳	۰.۱۳۱

مستقل -

آزمون قرار گرفت که نتایج آن درجه اول ۲ تا ۵ به شرح زیر می‌شود.

۱- به لحاظ عملکرد و تحصیلی (پیشرفت تحصیلی) در دانشجویان با کارشناسی مرتبط و غیر مرتبط تفاوت وجود دارد.

فرض‌های آماری

شرط معنی‌دار  $H_0: 1=2$

$H_1: 1=2 > (t_e) > (t_e)$

آمده است  $X$  بحرانی (۱۱/۹۶۱) در سطح معنی‌دار  $t = 0/05$  مشاهده شده (۱-۲.۱۸۱) بزرگتر از قدر متعلق  $t$  با توجه به داده‌های جدول قدر مطلق که حاکی از معنی‌داری تفاوت عملکرد بین دانشجویان کارشناسی ارشد با کارشناسی مرتبط و غیر مرتبط است و برای جدول ۱. این تفاوت به نفع گروه غیر مرتبط (۱۷.۱۳=در) مقابل گروه مرتبط (۱۶.۶۱) است.

بین عملکرد تحصیلی دانشجویان آموزش محور و پژوهش محور تفاوت وجود دارد.

جدول ۲. مقایسه و تحصیلی گروه‌های آموزشی محور و پژوهش محور

تخصص‌ها گروه‌ها	تفاوت میانگین	تفاوت	t آماره	بحرانی t
آموزش محور پژوهش محور	-۰.۰۲۷	۰.۱۸۶	۰.۱۴۹	۱.۹۶

شرط معنی‌دار بین میانگین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.  $X$  داده‌های جدول گویای آن است که در سطح  $0.05 =$  نتیجه گرفته می‌شود که بین عملکرد دانشجویان ارشد روزانه / شبانه / و نیمه‌حضوری تفاوت معنی

۳۱۰۴)  $F_c(21544)$  کوچکتر از  $F_0$  با توجه به داده‌ی جدول بین عملکرد تحصیلی دانشجویان ترم تحصیلی اول، دوم، سوم تفاوت وجود دارد.

فرض های آماری:

شرط معنی دار:  $H_0$ :

$F_c > t_e$   $H_1$ :

جدول ۳. مقایسه عملکرد دانشجویان کارشناسی ارشد روزانه / شبانه / نیمه حضوری

شاخص منابع متغیر	مجموع متغیر است	df	Ms	$F_s$	$F_c$
گروه‌ها بین	۸/۹۷	۲	۴/۴۸۹		
دوره گروه‌ها	۴۸۶/۶۸	۲۷۷	۱/۷۵۷	۲/۵۵۴	۳/۰۴
کل	۴۹۵/۶۹	۲۷۹	-		

ارشد ۳۱.۴) نتیجه گرفته می‌شود که بین عملکرد دانشجویان ( $F_c$ ) کوچکتر از  $F_0(21544)$  با توجه به داده‌های جدول ۴ روزانه / شبانه / نیمه حضوری تفاوت معنی داری بین عملکرد تحصیلی دانشجویان ترم تحصیلی اول، دوم و سوم تفاوت وجود دارد.

مقایسه عملکرد دانشجویان کارشناسی ارشد برای ترم تحصیلی

شاخصها منابع متغیر	SS	df	MS	$F_s$	$F_c$
گروه‌ها بین	۲۴/۲۵	۲	۱۲۱۱۲		
دوره گروه‌ها	۴۷۱/۴۰	۲۷۷	۱/۷	۷/۱۲	۶۱۷/ (=۰/۰۱)
کل	۴۹۵/۶۹	۲۷۹	-		

با توجه به  $F_0$  داده‌های جدول گویایی این است که در سطح ۹۹٪ سه گروه تفاوت معنی دارد. با مقایسه گروه‌های دوتایی به وسیله آزمون شفه مشخص شده است که این تفاوت بین دانشجویان ترم اول و ترم دوم یا ترم سوم معنی دار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش نقش متغیرهای آموزشی شامل؛ گزینش دانشجویان به شیوه آموزش محور و پژوهش محور، گزینش دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی با کارشناسی مرتبط و غیر مرتبط، گزینش دانشجویان برای دوره‌های تحصیلی روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری و ترم های تحصیلی اول، دوم و سوم بر عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های عدم رفتاری دانشکده روانشناسی مهم‌ترین دانشگاه علامه طباطبایی

مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده است حاکی از آن بود که شیوه‌گزینش آموزش محور و پژوهش محور و دوره‌های آزاد، شبانه و نیمه‌حضوری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد مؤثر نبوده است، ولی ترم تحصیلی و گزینش با کارشناسی مرتبط و غیر مرتبط بر عملکرد تحصیلی تأثیر داشته است. غیر مرتبط عملکرد بالاتری را نشان دادند و دانشجویان ترم اول و ترم دوم تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشته ولی دانشجویان با ترم سوم عملکرد بالاتری را نشان دادند.

در بحث یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت: در مقاله اگر چه بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دوره روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری تفاوت معنی‌دار به دست نیامده است، اما میانگین عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد روزانه در مقایسه با دانشجویان شبانه و نیمه‌حضوری بالاتر و عملکرد تحصیلی نیمه‌حضوری بالاتر از شبانه بود. این یافته‌های با نتایج تحقیق درمانی (۱۳۸۱) و احمدی، شفیعی امیری و حسن نتایج (۱۳۸۷) مبنی بر اینکه دانشجویان همخوانی دارد. اینکه دانشجویان نیمه‌حضوری عملکرد بهتری در مقایسه با دانشجویان شبانه داشتند با یافته‌های فرج‌اللهی فیروزفر (۱۳۸۵) و نعمتی خجسته و یا (۱۳۸۳) مبنی بر اینکه دانشجویان کارشناسی ارشد و کارشناسی دوره‌های فراگیر پیام عملکرد تحصیلی بالاتری نسبت به دانشجویان دوره‌های فراگیر معادل نظر بگیریم؛ اما باید توجه داشت که ماهیت دوره‌های کارشناسی ارشد و کارشناسی متفاوت است، بنابراین برای استنباط و تفسیر همخوانی این یافته‌ها با نتایج تحقیقات مورد اشاره باید احتیاط نمود.

نتایج به دست آمده از تحلیل عملکرد تحصیل دو گروه مرتبط و غیر مرتبط اگر چه معنی‌دار شده است ولی دانشجویان غیر مرتبط عملکرد تحصیلی بالاتری داشتند. تا کنون در تحقیق مقیاس بین گروه‌ها مرتبط و غیر مرتبط در موقعیت‌های تحصیلی دانشجویان صورت گرفته است شاید بتوان گفت دانشجویان با کارشناسی غیر مرتبط برای نشان دادن اینکه ... و شواهد موجهی ای رشته تحصیلی غیر مرتبط با کارشناسی خود را انتخاب کرده‌اند، تلاش و جدیت بیشتری را برای کسب نمرات بیشتر صرف نمایند.

نتایج عملکرد تحصیلی دو گروه آموز محور و پژوهش محور به تفاوت معنی‌دار منجر شده است ولی دانشجویان آموزش محور عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری را نشان دادند. این تفاوت به سبب نامشخص بودن و ضعف تحصیلی آموزش محور می‌تواند قابل توجیه باشد. چون دانشجویان آموزش محور هنوز نگران آینده تحصیلی خود هستند و دغدغه‌های متعاقب آن بخشی از وقت و انرژی درونی آنها را درگیر می‌کند و ظرفیت بالقوه به تحصیل و فعالیت آموزشی نپردازند. اظهار نظر قاطع نیاز به مطالعات بیشتری دارد.

تحلیل عملکرد تحصیلی دانشجویان ترم‌های اول، دوم و سوم نشان داد که دانشجویان ترم اول و دوم در عملکرد تحصیلی تفاوت معنی‌داری ندارند ولی با دانشجویان ترم سوم تفاوت معنی‌داری در عملکرد تحصیلی دارند، شواهد تجربی که بحث و تبیین این نتایج را میسر سازد پیدا نشده است. شاید بتوان گفت واحدهای درسی در شماره‌های اول و دوم بیشتر عمومی و پایه‌ای است که دانشجویان در دوره کارشناسی نیز اکثر آنها را گذرانده اما در ترم سوم تحصیلی، دروس تخصصی ارائه می‌شود که دانشجویان در دوره کارشناسی آشنایی زیادی با آنها نداشته‌اند، بنابراین اظهار نظر قطعی به تحقیقات بیشتری در این حوزه نیاز دارد.

## منابع

- اخوان تفتی، م.، ولی زاده، ز. (۱۳۸۵). مقایسه سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه تهران در ابتدا و انتهای دوره دانشگاه. پژوهش های تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ۷: ۱۶-۱.
- توفیقی، جعفر. (۱۳۸۸). ضرورت ارتقای کیفیت در آموزش عالی، نشریه صنعت و دانشگاه، ۲(۶): ۱۰-۵.
- حائری زاده، س.ع.، اصغرپور ماسوله، ا.ر.، نوغانی، م. و مهرانوری، س.ع. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر روابط اجتماعی استاد-دانشجو بر موفقیت تحصیلی دانشجویان. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۶(۱)، ص ۲۷-۵۱.
- شریفیان، اکبر. (۱۳۸۱). عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه شاهد، مجله جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، ۱۵: ۱۹۹-۲۲۹.
- مسعودی، ا. و محمدی، م. (۱۳۸۵). بررسی اثر محل سکونت و جنسیت بر ادراکات و عملکرد تحصیلی دانشجویان مهندسی و علوم پایه دانشگاه شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه نامه علوم تربیتی)، ۲۵(۴): ۱۸۵-.
- ملک، حسین. (۱۳۸۱). بررسی تحصیلات تکمیلی در نظام آموزش عالی ایران- دوره‌های دکتری علوم انسانی از منظر اعضای هیات علمی این دوره‌ها، مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۳۱: ۳۲۷-۳۵۴.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۸۸). آئین نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، ۱۵-۱.
- Altbach, P. & Salmi, J. (۲۰۱۱). "The Road to Academic Excellence: The Making of World-Class Research Universities". Washington, The World Bank.